فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت
Journal of New Research Approaches in Management Science
سال اول. شماره سوم. بهار ۱۳۹۷، صص۲۵۸-۲۴۵ Vol 1. No 3. 2018, p 245-258
شماره شاپا (۲۵۸۸-۵۵۶۱) ISSN: (2588-5561)

بررسی رابطه خلاقیت و هوش هیجانی در بین دانش آموزان

سونیا راد
کارشناسی مدیریت بازرگانی پردیس بین الملل فارابی

مقدمه

در واقعیت امر ما دو ذهن داریم، یکی که فکر می کند و دیگری که احساس می کند. این دو راه متفاوت شناخت، در کنشی متقابل، حیات روانی ما را میسازند. ذهن خردگرا همان مقام درک و فهم است که به مدد آن قادر به تفکر و تعمقهستیم. ولی در کنار آن نظام دیگری نیز برای دانستن وجود دارد، نظامی تکانشی وقدرتمند و گهگاه غیرمنطقی، یعنی ذهن هیجانی. تقسیم ذهن به دو بخش هیجانی و خردگرا تقریبا مانند تمایزی است که عوام میان «قلب» و «سر» قائلند. احساس یقین حاصل ازگواهی «قلبی» بر درست بودن چیزی، متفاوت با گواهی عقلی و تا حدودی عمیق تر از آناست. نسبت کنترل عقلانی ذهن بر بخش هیجانی آن روند یکنواختی دارد; هر چه احساس شدیدتر باشد، ذهن هیجانی مسلط تر و ذهن خردگرا بی اثر تر می‌گردد. به نظر می رسد که اینترتیب، از امتیازی سرچشمه می گیرد که تکامل طی اعصار متمادی به احساسات و ادراک های شهودی ما داده است تا راهنمای پاسخ های آنی ما در موقعیت های مخاطره آمیز باشند؛ زیرا گاها لحظه ای تامل برای فکر کردن درباره کاری که باید انجام شود، ممکن است بهقیمت از دست دادن زندگی ما تمام شود. این دو ذهن در اکثر موارد بسیار هماهنگ عمل میکنند اما با این وجود، دو ذهن خردگرا و هیجانی نیروهای نسبتا مستقل از هم هستند.

عملکرد ذهن هیجانی بسیار سریع تر از ذهن خردگراست. ذهن هیجانی بدون آنکه حتی لحظهای درنگ کند تا بررسی کند که چه می کند، مانند فنر از جا می جهد و دست به عمل میزند. نقطه تمایز ذهن هیجانی از واکنش سنجیده و تحلیل گرایانه ای که مشخصه ذهناندیشمند است، سرعت عمل آن است. اعمالی که از ذهن هیجانی سرچشمه می‌گیرند با قطعیتشدید و مشخص همراهند که حاصل روش جاری و آسان گیر ذهن هیجانی در نگریستن به اطرافاست که می تواند برای ذهن خردگرا کاملا مبهوت کننده باشد. پس از

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

فرو نشستن گرد وغبار یا حتی در میانه راه متوجه می شویم که داریم از خود می پرسیم «راستی چرا آنکار را کردم؟» این سوال نشانه ای از آن است که ذهن خردگرا در حال آگاهی یافتن از آنلحظه است اما نه با سرعت ذهن هیجانی. از متداول ترین پاسخ های هیجانی سریع و نپخته، ازدواج های غلط است؛ چرا که در حالات هیجانی[1]ذهن انسان از تفکر منطقیخالی می‌شود و پس از فروکش کردن هیجان ها تازه می فهمیم که چه بلایی سر خود آورده‌ایم. ذهن هیجانی همانند یک شمشیر دولبه است؛ امتیاز بزرگ ذهن هیجانی در این نکتهاست که می‌تواند واقعیت هیجانی رادر یک لحظه دریابد (او از دست من عصبانی است، او دروغ می‌گوید، او فکر خطرناکی در کله دارد)، و دریک آن به قضاوتی شهودی دست بزند کهبه ما می‌گوید در مقابل چه کسی باید احتیاط کنیم، به چه کسی باید اعتماد کنیم و چهکسی درمانده است. ذهن هیجانی رادار ما برای اعلام خطر است. اگر ما (یا پیشینیان ما در طول دوران تکاملی) در برخی از این موارد منتظر ارزیابی عقل خردگرا می‌ماندیم نه تنها ممکن بود اشتباه کنیم، که حتی شاید زنده هم نمی‌ماندیم. اما همین ذهن هیجانیممکن است دردسرساز شود; مشکل اینجاست که این برداشت ها و قضاوت‌های شهودی از آنجاکه در یک لحظه صورت می گیرند ممکن است اشتباه یا گمراه کننده باشند. حال با این مقدمه بهتر می‌توانیم مفهوم «هوش هیجانی» را دریابیم.دانیل گلمن ۱۹۸۸).

بیان مسئله

گولمن معتقد است، هوش عاطفی بالا تبیین می‌کند که چرا افرادی با ضریب هوشی[2] متوسط موفق تر از کسانی هستند که نمره‌های ضریب هوشی بسیار بالا تری دارند. با ظهور عصر اطلاعات و ارتقاء ارزش مندی ارتباطات انسانی و هم چنین بروز موقعیت‌های استراتژیک سازمانی، نظریه هوش عاطفی رشد چشم گیری یافته و از مباحث پرطرفدار سازمانی شده‌است. هوش هیجانی، اصطلاح فراگیری است که مجموعه گسترده‌ای از مهارت‌ها و خصوصیات فردی را در برگرفته و معمولاً به آن دسته مهارت‌های درون فردی و بین فردی اطلاق می‌گردد که فراتر از حوزه مشخصی از دانش‌های پیشین، چون هوشبهر و مهارت‌های فنی یا حرفه‌ای است. هوش هیجانی از آخرین مباحث متخصصین در خصوص درک تمایز بین منطق و هیجان بوده و برخلاف مباحث اولیه در این جا، فکر و هیجان به عنوان موضوعاتی برای سازگاری و هوش مندی تلقی شده‌است به علاوه، شبیه سایر مباحث مطرح درخصوص ماهیت انسان، هوش هیجانی نیز دستخوش دو نوع بحث و گفتگوی علمی و عوام پسند گردیده‌است. (رمضان حسین زاده ۱۳۸۷)

اصطلاح هوش عاطفی برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط دو روان شناس به نام‌های جان مایر و پیتر سالووی مطرح شد. آنان اظهار داشتند، کسانی که از هوش هیجانی برخوردارند، می‌توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کرده، بین پیامدهای مثبت و منفی عواطف تمایز گذارند و از اطلاعات عاطفی برای

1. emotional
2. IQ

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

راهنمایی فرایند تفکر و اقدامات شخصی استفاده کنند. دانیل گلمن صاحب نظر علوم رفتاری و نویسنده کتاب «کار کردن به وسیله هوش هیجانی» اولین کسی بود که این مفهوم را وارد عرصه سازمان نمود. گلمن هوش هیجانی را استعداد، مهارت و یا قابلیتی دانست که عمیقاً تمامی توانایی‌های فردی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

اینجا لازم است درباره خودِ کلمه هیجان بیشتر بدانیم: هیجان کلمه ای است که در فارسی بیشتر برای احساسات و حالات پر شور و پر انرژی از آن استفاده می کنیم، ولی در روانشناسی برای بیان تمام حالات احساسی و روانی مثبت و منفی و علایم جسمانی همراه آن به کار می رود. هیجانات مثل خشم، ترس، عشق و محبت، تنفر، امید، ناامیدی، نگرانی، احساس حقارت، غرور، غم و اندوه، شادی، تعجب، شرم، پشیمانی، دلسوزی و. . .

آدمی ذاتاً خلاق متولد می‌شود با این حال خلاقیت در مراحل ابتدایی زندگی، تکامل یافته و پیشرفته نیست و به همین دلیل نیازمند به توجه و هدایت می باشد. قطعاً نخستین جایگاه خلاقیت دوران کودکی است بنابراین مدت زمان زیادی لازم است که کودک تجربه اندوزی کند و خلاقیت اش را غنا بخشد، بدون تردید خلاقیت تنها برای دوران کودکی مورد نیاز نیست، کودک به خلاقیت برای تمامی عمر نیاز دارد. گیلفورد خلاقیت راعمل یا رفتاری میداند که راه حل مناسب برای مشکل ارائه نماید او می‌گوید: خلاقیت عبارت است از نشان دادن عمل یا رفتار و توانایی خلاق و به طورکلی عمل خلاقانه یعنی ارائه ی راه حل مناسبی برای مسائل و مشکلات بنابراین انسان تا با مشکلاتی روبرو نشود خلاقیتی از او صادر نمی‌شود، بنابراین مستلزم بهره گیری ازنوعی تفکر است که گیلفورد آن را تفکر واگرا می نامد یعنی یافتن راه حل مسأله به صورت متفاوت از راه حل معمولی. (پیرخانی:۱۳۸۴)

با پیشرفت روز افزون دانش و تکنولوژی و جریان گسترده اطلاعات، امروزه جامعه ما نیازمند آموزش مهارت هایی باشد که بتوانند با مغزی خلاق با مشکلات روبرو شده و به حل آنها بپردازند. (خداپناهی:۱۳۷۹) هیچ کس قادر نیست به میزان اطلاعات واقعی هرکس که درگوشه ی ذهن او نهفته است پی برد این اطلاعات زمانی به حرکت در می آید که انگیزه ای قوی سبب رها شدن آن به بیرون ذهن می‌شود در این مرحله دانش آموزان به سرنوشت یکدیگر حساسند و در جهت رشد یکدیگر می کوشند و در نهایت سبب می‌شود جریانی از علم و دانش و تجربیات میان آنها جاری می‌شود که همین امر زمینه ساز نوآوری و خلاقیت خواهد بود. (کلئومی:۱۳۷۷) یکی از مسائل اصلی درخلاقیت دوران کودکی است. دوران کودکی مسأله آزادی در رشد و آزادی در تجربه اندوزی است در این دوران چون ذهن کودک هنوز رشد کافی نکرده است عملاً برای تجزیه و تحلیل عقلی آمادگی ندارد و از طرفی حواس نقش بسیار مهمی در فعالیت های کودک بازی می کند. آزادی در استفاده و بهره گیری از این حواس و عضلات است که موجب خلاقیت و رشدو شکوفایی حس و حرکتی کودک می‌شود. و دراین دوران والدینی در پرورش فرزندان خود موفق هستند که برای تربیت کودک خویش وقت می گذارند که بسیاری از والدین

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

این کار را نمی‌کنند و این یکی از مهمترین مسأله ها در پرورش خلاقیت است. (احمدوند:۱۳۸۲) بنابراین محقق در پی پاسخ به این مسأله است که دانش آموزانی که رشته نظری مانند معارف اسلامی یا رشته عملی مانند تربیت بدنی را انتخاب میکنند دارای خلاقیت متفاوتی هستند و اگر خلاقیت در دو گروه متفاوت است در کدامیک بالاتر از دیگری است. بنابراین محقق در پی دستیابی به رابطه دوزبانگی با خلاقیت و هوش هیجانی و در بین دانش آموزان است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

عالی ترین هدف آموزش و پرورش در تمامی سطوح تحصیلی، ایجاد توانایی در حل مسأله و خلاقیت در یادگیرندگان است ازراه ایجاد این تواناییها در دانش آموزان می توان آنان را برای برخورد درست با شرایط متغییر زندگی و موقعیتهای جدیدی که مرتباً با آنها روبه روخواهند شد آماده کرد وقتی یاد گیرنده با موقعیتی روبه رو می‌شود که نمی تواند ازطریق استفاده از اطلاعات و مهارت هایی که در آن لحظه در اختیار دارد به آن موقعیت به سرعت پاسخ دهد با مسأله روبروست. (سیف، ۱۳۸۲) در حل مسأله باید اطلاعات آموخته شده ی قبلی، به ویژه اصولی که یاد گیرنده قبلاً آموخته است به طریقی تازه با هم ترکیب شوند بنابراین داشتن اطلاعات و مفاهیم اصول به تنهایی برای حل مسائل کافی نیستند بلکه یادگیرنده برای حل مسأله، با ترکیب اصول و اطلاعات از پیش آموخته شده راههای تازه ای را کشف کند. (سیف:۱۳۸۲) برخی از معلمان فقط به این دلیل که برخی از دانش آموزان هوش کمتری نسبت به دیگر دانش آموزان هم طراز خود دارد توجه کمی به کارهای خارق العاده ی آنها می دهند و از این نظر به دانش آموزان بهاء نمی دهند و حتی خلاقیت دانش آموزان از این قبیل را در نطفه خفه می کنند و همچنین نبود یک شیوه و ابزار سنجش خلاقیت دقیق در مدارس موجب ضربه رسیدن به فرهنگ و پیشرفت جامعه شده است و همچنین ذکر این جمله که این نتایج تحقیقات هستند که برنامه ریزان آموزشی و کشوری را در طرح وبرنامه ریزی هدایت می‌کنند پس اگر چنین تحقیقاتی از این جمله انجام داده نشوند ممکن است جامعه را ازداشتن خیلی از دانشمندان و مخترعان بی نصیب گرداند و به عواقبی که از نظر اقتصادی، فرهنگی و غیره متوجه جامعه می‌شود. (تهمتن؛۱۳۷۷)

در نهایت یافته های این تحقیق که به بررسی مقایسه ی خلاقیت دانش آموزان متوسطه ی دخترانه ی رشته ی تربیت بدنی با معارف اسلامی می پردازد راه گشای بعضی از مشکلات و مسائل در نظام آموزشی و نظام برنامه ریزی بشود و باشد که با اتخاذ تصمیم صحیح در این باره و ارائه روش سنجشی صحیح خلاقیت در مدارس جامعه را از گزند آسیب وارده ازجهت عدم شناسایی دانش آموزان حفظ نماید.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

اهداف تحقیق

ـ بررسی مقایسه ی خلاقیت و هوش هیجانی دانش آموزان متوسطه ی دختر و پسر

ـ بررسی مقایسه ی خلاقیت و دو زبانگی دانش آموزان متوسطه ی دختر و پسر

ـ ارائه پیشنهاد بر اساس نتایج این پژوهش به مسئولین دست اندرکار به ویژه به وزارت آموزش و پرورش جهت فراهم سازی زمینه‌های لازم برای رشد خلاقیت دانش آموزان.

فرضیه‌های پژوهش

ـ خلاقیت دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

ـ آبین سطح تحصیلات پدر و عوامل مؤثر بررشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.

ـ بین سطح تحصیلات مادر و عوامل مؤثر بررشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.

ـ بین سطح رفاه اقتصادی و عوامل مؤثر بررشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.

ـ بین تعداد فرزندان و عوامل مؤثر بر رشد خلاقیت رابطه وجود دارد.

ـ بین شاغل بودن پدر و عوامل مؤثر بر رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.

ـ بین شاغل بودن مادر و عوامل مؤثر بر رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.

تعریف مفهومی و نظری

خلاقیت: خلاقیت عبارت است ازدور شدن از چیزهای واضح ومعمولی یا قطع رابطه با تفکر مبتنی برعادات است (تورنس، ۱۳۷۵)

هوش هیجانی

داشتن ظرفیتی برای شناخت احساسات و هیجاناتخود و دیگران و استفاده از این هیجانات به نحو مناسب، برای برقراری ارتباط بهتر با خود و دیگران.

همانطور که در سخنان ارسطو در ابتدای این سخن مشاهده می کنید، عصبانیت یک هیجان و یا احساس است، و فردی که دارای هوش هیجانی بالاتری باشد می داند این عصبانیت را چه وقت، کجا، با چه کسی و چگونه ابراز کند تا به جای اینکه برایش دردسر تولید کند، راه گشا باشد.

اینجا لازم است درباره خودِ کلمه هیجان بیشتر بدانیم: هیجان کلمه ای است که در فارسی بیشتر برای احساسات و حالات پر شور و پر انرژی از آن استفاده می‌کنیم، ولی در روانشناسی برای بیان تمام حالات احساسی و روانی مثبت و منفی و علایم جسمانی همراه آن به کار می‌رود. هیجانات مثل خشم، ترس، عشق و محبت، تنفر، امید، ناامیدی، نگرانی، احساس حقارت، غرور، غم و اندوه، شادی، تعجب، شرم، پشیمانی، دلسوزی و ...

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

تعریف عملیاتی

خلاقیت: کمیتی است که با استفاده از پرسشنامه خلاقیت تورنس هر آزمودنی آن را کسب می کند.

تعریف عملیاتی سطح تحصلات پدر: منظوراز سطح سواد، میزان تحصلاتی است که پدر در یکی از مقاطع تحصلی آن را کسب کرده است واز طریق پرسشنامه ی دموگرافیک معین خواهد شد.

تعریف عملیاتی سطح تحصیلات مادر: منظور از سطح سواد، میزان تحصیلاتی است که مادر در یکی از مقاطع تحصیلی آن را کسب کرده است واز طریق پرشسنامه ی دموگرافیک معین خواهد شد.

تعریف عملیاتی سطح رفاه اقتصادی خانواده: منظور میزان در آمدی است که از طریق اعضای خانواده وارد خانه شده و خرج مایحتاج زندگی زندگی می‌شود چه از طریق نهادها و ارگان‌های دولتی واز طریق پرسشنامه‌ی دموگرافیک معین خواهد شد.

تعریف عملیاتی تعداد فرزندان خانواده: منظور تعداد فرزندان است که آیا کم یا زیاد بودن فرزندان در رشد خلاقیت اثر دارد و از طریق پرسشنامه ی دمو گرافیک معین خواهد شد.

اشتغال: منظور از اشتغال در این پژوهش، اشتغال فرد به کار در محیط بیرون از خانه با کسب درآمد معین است که از طریق پرسشنامه ی دموگرافیک معین خواهد شد.

پیشینه پژوهش

ـ زارع (۱۳۸۰)، در پژوهش خود با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی بار- ان، توان پیش‌بینی هوش هیجانی را در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان، مورد آزمون قرار داد. نتایج نشان‌دهنده ارتباط معنی‌دار (**r**۰/۶۸ =) بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی بوده است. در حالی‌که سبحانی (۱۳۸۳) در پژوهشی بر روی دانشجویان، بیان می‌دارد که بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی، رابطه معنی‌داری وجود نداشته است.

ـ کرک و گالاگر به نقل از بورلی بیان می‌دارند بسیاری از پژوهش‌ها وجود ارتباط بین شخصیت و افت تحصیلی را به اثبات رسانیده است (به نقل از فاضل، ۱۳۸۱)

ـ پاریش و ویلیس (۱۹۹۲) در بررسی خود دریافتند که بین ترتیب تولد و موفقیت تحصیلی، رابطه معکوس وجود دارد. به معنای دیگر، کودکانی که زودتر به دنیا می‌آیند (کودکان بزرگتر) نسبت به خواهر یا برادرهای کوچکتر خود، از موفقیت تحصیلی کمتری برخوردارند. در حالی‌که ایاکوو (۲۰۰۱) در پژوهشی بیان می‌دارد که کودکان کوچکتر خانواده، موفقیت‌های تحصیلی کمتری نسبت به فرزندان بزرگتر خانواده دارند.

ـ گومز (۱۹۸۴)، در پژوهش خود در جامعه کنیا، مطرح می‌دارد که بدلیل کمک مالی فرزندان بزرگتر به وضعیت اقتصادی خانواده، فرزندان کوچکتر، موفقیت تحصیلی بهتر و بیشتری را تجربه می‌کنند. در

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

حالی‌که کانلی و گلابر (۲۰۰۵)، در پژوهشی بر روی تعداد فرزندان از هر دو جنس دریافتند که تعداد افراد خانواده با موفقیت تحصیلی کودکان رابطه منفی دارد.

ـ بلیک و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که بین تعداد افراد خانواده، ترتیب تولد و پیشرفت تحصیلی فرزندان رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد.

ـ لو و تریمن (۲۰۰۵)، نشان دادند، کودکانی که رتبه تولد کمتری در بین فرزندان خانواده دارند شاید در برخی موارد، موفقیت‌های بهتری نسبت به سایر فرزندان تجربه کنند. ولی این نتایج مفروض به این است که خانواده کم جمعیت باشد. به اعتقاد آنان، می‌توان بیان داشت که بطور کلی تاثیر متغیرهایی همچون ترتیب تولد، فاصله تولد و جنسیت بر موفقیت تحصیلی کودکان، ارتباط تنگاتنگی با تعداد فرزندان خانواده دارد. پژوهش‌های دیگری مانند استیلمن (۱۹۸۵)، نشان دادند که داشتن خواهر بیشتر نسبت به برادر، تاثیر منفی کمتری در رسیدن به پایه‌های تحصیلی بالاتر دارد.

ـ هارتلی[1](۱۹۸۸) طی تحقیقی در مورد "ارتباط رشد خلاقیت کودکان با نحوه آموزش" دریافت که در صورت وجود فضای آزاد آموزشی و پذیرش فرض وجود پاسخهای متفاوت به جای پاسخ واحد، خلاقیت و خودگردانی دانش آموزان افزایش پیدا می‌کند.

ـ لیندبلد[2](۱۹۷۶) طی تحقیقی در مورد "ارتباط نحوه تعامل والدین و رشد خلاقیت کودکان" دریافت که تعامل مناسب و سازنده تا حد زیادی با رشد قوه خلاقانه کودکان ارتباط دارد.

ـ چانک[3](۲۰۰۰) طی تحقیقی در مورد "ارتباط محیط با بروز خلاقیت کودکان" دریافت که وجود محرکهای غنی محیطی، عضویت در گروه‌های کوچک و برنامه های آموزشی انعطاف پذیر به رشد خلاقیت کودکان کمک می نماید.

ـ واتسون[4](۱۹۶۰) و گتزلس و جکسون (۱۹۶۲) طی تحقیقی در مورد "ارتباط شیوه های تربیت خانوادگی و رشد خلاقیت کودکان " دریافت که رشد خلاقیت در خانواده‌های آزادگذارنده، مسامحه کار و خطاپذیر بیشتر است.

ـ اسمایل[5](۲۰۰۵) طی تحقیقی در مورد "نقش فاکتورهای یادگیری سازمانی و جو خلاق بر روی نوآوری سازمانی در کوالالامپور " به این نتیجه رسید که ارتباط معنی داری بین فرهنگ یادگیری سازمانی و جو خلاق با نوآوری وجود دارد.

ـ هارا و استرنبرگ[6](۲۰۰۱) طی تحقیقی در مورد " بررسی سبک های تفکر افراد خلاق " به این نتیجه رسیدند که افرادی که ترجیح می دادند برمبنای تفکرات خاص خود عمل کنند (یعنی کسانی که دارای

1. Hartley
2. Lind Blad
3. Chank
4. Watson
5. Smail
6. Hara & Stranberg

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

سبک تفکر قانون گرا بودند (عملکرد خلاقه بهتری نشان دادند، در حالیکه افرادی که به تحلیل و ارزیابی تفکرات گرایش داشتند) یعنی کسانی که دارای سبک تفکری قضاوت گرا بودند وقتی هیچ گونه آموزش ویژه ای ندیده بودند عملکرد خلاقانه ی ضعیفتری نشان دادند.

ـ لوکسا، لوکسوا، کورکورا[1](۲۰۰۰) طی تحقیقی در مورد "عوامل مؤثر روانی – اجتماعی بر عملکرد خلاقانه " به بررسی اثرات انتظار ارزیابی و شرائط کاری بر ویژگی‌ها و فعالیتهای خلاق دانشجویان دانشگاه پرداخته و به این نتیجه رسیدند که انتظار ارزیابی برهمه متغییرها و عوامل تشکیل دهنده خلاقیت تاثیر می گذارد.

ـ تورنس[2](۱۹۷۴) طی یک مطالعه تحقیقی تحت عنوان " تشخیص نقش جنسیت در تفکر خلاق " نشان داده است که هیچ تفاوت معنی داری بین خلاقیت و جنسیت وجود ندارد.

ـ مک کینون[3](۱۹۹۱) طی یک مطالعه تحقیقی در مورد " بررسی تأثیرعقاید و فشار دیگران بر خلاقیت فرد "به این نتیجه رسید که افراد خلاق خودانگیخته بوده و اصولاً تحت تأثیر دیگران نیستند در عین حال آنان از نظر اجتماعی مسئولیت پذیر بوده و همنوائی با دیگران دارند.

ـ راسکین[4](۱۹۹۵) طی تحقیقی در مورد "ویژگیهای شخصیتی مدیران خلاق "به این نتیجه دست یافت که مدیران خلاق بیشتر مستقل عمل می کنند یعنی درعملکرد و قضاوت کمترتحت تاثیر دیگران هستند در عین حال خصوصیاتی چون ابراز وجود، سلطه جوئی و علاقه به کسب قدرت فردی دارند.

ـ رو و بایارز[5](۱۹۹۷) طی تحقیقی در مورد "ارتباط خلاقیت و جو سازمانی" دریافت که جو محیطی بیش از هرچیز بر فرآیند بروز خلاقیت افراد تأثیر می گذارد.

ـ ویرپی آسی کانین و ووسی روتاما[6](۱۹۹۸) با بررسی "رابطه عوامل شخصیتی و خلاقیت مدیران "دریافت که مدیران درون گرا زمینه بروز رفتار خلاقانه بیشتری دارند.

ـ پارنز (۱۹۶۳) و دی بنو(۱۹۷۰) و کلینکن (۱۹۸۶)[7]طی تحقیقی در مورد "بررسی وجود خلاقیت در افراد مختلف" دریافتند که خلاقیت با شدت کم و زیاد بصورت بالقوه درهمه انسانها وجود دارد.

ـ تورنس (۱۹۷۳) طی تحقیقی در مورد "بررسی ارتباط آستانه هوش و خلاقیت" دریافت که در بهره هوشی کمتراز ۱۲۰، خلاقیت نیز محدود است اما پس از آن بعد مستقلی می یابد.

ـ اتکینسون و هلیکارد[8](۱۹۸۳) طی تحقیقاتی درمورد " عملکرد اختصاصی نیمکره های مغز و ارتباط آن با خلاقیت " دریافتند که احتمال زیاد وجود دارد که تفکرخلاقانه نتیجه عملکرد نیمکره راست مغز باشد.

---

1. Loksa ; Loksova & Korkora
2. Torrance
3. Mak Kinon
4. Ruskin
5. Rue & Byars
6. Virpi Asikainen & Vesa Routama
7. Parenz , De Beno & Klinken
8. Atkinson & Hilgard

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

ـ آدامز و هنری[1](۱۹۹۸) طی تحقیقی با عنوان "بررسی تاثیر عزت نفس بر روی خلاقیت دانش دانشجویان رشته علوم اجتماعی دانشگاه پنسیلوانیا " دریافتند عزت نفس با میزان خلاقیت دانشجویان ارتباط مستقیم و معنی داری داشته لکن شدت ارتباط در بین دانش آموزان پسر بیشتر است.

نمونه و روش نمونه گیری

نمونه عبارت است از زیر جامعه ای که از کل جامعه انتخاب می‌شود و معرف آن است. (دلاور-۱۳۸۱) در این پژوهش از نمونه گیری در دسترس استفاده شده در نمونه گیری در دسترس مزیت سادگی و سهولت در انجام کار وجود دارد. نقطه ضعف آن سوگیری احتمالی در یافته های تحقیق و عدم توانایی پژوهشگر در تعمیم یافته های پژوهش است، زیرا نمونه انتخاب شده معرف و نماینده واقعی جامعه نیست (دلاور، ۱۳۹۰). به طور خلاصه نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۱۴ دانش آموز است.

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به موضوع، اهداف و فرضیه های پژوهشی از نوع کاربردی و بر مبنای روش زمینه ای انجام شده است. هدف تحقیقات کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است به عبارت دیگر تحقیقات کاربردی به سمت کاربرد ی عملی دانش هدایت می‌شود. نتایج این نوع تحقیقات در تعلیم و تربیت، مثلا در طراحی برنامه‌های درسی و کمک به اتخاذ تصمیم‌های مربوط به نظام آموزشی به کار می رود. (دلاور-۱۳۸۱) و روش‌های پژوهش زمینه ای عمیقا کنش و واکنش‌های میان عوامل بوجود آورنده تغییر را در مورد یا زمینه ای ویژه بررسی می‌کند. (سیف نراقی – و نادری: ۱۳۸۹) برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار **SPSS** و آزمون تی و آزمون آنوا برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است.

ابزار پژوهش

الف) ابزار گرداوری داده‌ها:

ابزار گردآوری دادها در این پژوهش یکی از ابزارهای رایج و روشی مستقیم برای کسب داده های تحقیق یعنی پرشسنامه است، پرشسنامه مجموعه ای از سوال‌ها (گویه‌ها) است که پاسخ دهنده با ملاحظه آن ها پاسخ لازم را ارائه می دهد این پاسخ، داده مورد نیاز پژوهشگر را تشکیل می‌دهد سوال های پرشسنامه را نوعی محرک – پاسخ می توان محسوب کرد. (بازرگان – ۱۳۸۵) که در پژوهش حاضر از آزمون خلاقیت تورنس که شامل ۶۰ سوال ۳ گزینه است استفاده شد پرشسنامه را در میان دانش آموزان پایه پنجم در مدرسه فدک که شامل ۲ کلاس بودند به طور تصادفی پخش کرده و آنان را در مورده هر سوال راهنمایی کردم تا پاسخ ها ی مورد نظرخود را انتخاب کنند و بعد از آن پرشسنامه محقق ساخته را که شامل ۴ سوال

1. Adams & Henry

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

چهار گزینه در مورد فرضیه‌های پژوهش بود را در اختیار دانش آموزان قرار دادم و بعد از راهنمایی جواب آنها را نیز دادند.

ب) پایایی و روایی ابزار پژوهش:

دلیل انتخاب آزمون خلاقیت تورنس، کارایی و اعتبار و پایایی مناسب آن در پژوهش بود. این آزمون مکررا در پژوهش‌ها و اندازه گیری‌ها تربیتی مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس نتایج پژوهش‌هایی که در دفترچه راهنمایی این آزمون منتشر شده، ضریب پایایی این آزمون ۸۰ در صد و ۹۰ درصد بر آورد شده است و بعد از ۲۰ سال ضریب اعتبار پیش میان معادل ۶۳ در صد را نشان داده است. (عابدی، ۱۳۷۲)

نمره گذاری آزمون خلاقیت تورنس

آزمون استاندارد خلاقیت تورنس یکی از ابزارهای مورد استفاده می باشد که در قالب ۳ گزینه ای تنظیم شده است به ازای هرپاسخ به پاسخ (الف)(صفر) امتیازبه پاسخ (ب) (یک) امتیاز وبه پاسخ (ج) (دو) امتیاز در نظر گرفته شده است.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

جدول نرم آزمون تورنس

رشد خلاقیت	خلاقیت
خلاقیت بسیار زیاد	از ۱۲۰ الی ۱۰۰
خلاقیت زیاد	از ۱۰۰ الی ۸۵
خلاقیت متوسط	از ۸۵ الی ۷۵
خلاقیت کم	از ۷۵ الی ۵۰
خلاقیت بسیار زیاد	از ۵۰ الی پایین

آزمون هوش هیجانی شات

این مقیاس به وسیله شات[1] و همکاران(۱۹۸۸) بر اساس مدل هوش هیجانی مایر و سالووی (۱۹۹۷) ساخته شده است. ایم مقیاس دارای ۳۳ سوال می‌باشد، سوالات این آزمون در روی یک مقیاس لیکرت ۵ نقطه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم تنظیم شده است. که در نمره‌گذاری این آزمون به کاملاً موافقم نمره ۵، موافقم نمره ۴، نظری ندارم نمره ۳، مخالفه نمره ۲ و کاملاً مخالفم نمره‌ی ۱ داده می‌شود و در سوالات با محتوای منفی یا معکوس نمره‌گذاری هم به صورت معکوس انجام می‌شود (کاملاً موافقم نمره ۱ و کاملاً مخالفم نمره‌ی ۵). کسب نمرات بیشتر در این آزمون، نشانگر موقعیت برتر قرد در مقیاس مورد نظر یا در کل آزمون می‌باشد.

سوال‌های آزمون، سه مقوله توانایی‌های سازشی، شامل ادراک هیجان‌ها، تنظیم هیجانی و بهره‌وری هیجانی در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره یک(کاملاً مخالفم) تا نمره ۵ کاملاً موافق) می‌سنجد (اوستین[2] و همکاران، ۲۰۰۳). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این مقیاس دارای اعتبار بالایی در بین نوجوانان است. همسانی درونی سوال‌های آزمون بر حسب ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۸۴ تا ۰/۹۰ گزارش شده است. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس به فاصله‌ی دو هفته ۰/۷۸ محاسبه شده است (اوستین و همکاران، ۲۰۰۵). این آزمون دارای ۷ زیرمقیاس است که در جدول ذیل، زیر مقیاس‌ها همراه با سوالات مرتبط ذکر شده است.

1. Shutte
2. Austin

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزاد **SPSS** استفاده شده است برای برای تبیین نظریه ها از آزمون آزمون آنوا استفاده شده است.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اسپورن الکس: پرورش و استعداد های همگانی ابداع خلاقیت ترجمه حسین قاسم زاده انتشارات نیلوفر

ـ آسیب شناسی روانی: تالف: دیوید ال روزنهان. پی. سیلیگهن (ترجمه) یحیی سید محمدی. ناشر: ساوالان. نوبت چاپ دوم.

ـ بنی فاطمه و نکاحی (پایان نامه)؛ بررسی ارتباط هوش هیجانی با سلامت روان و پیشرفت تحصیلی، دانشگاه آزاد اردبیل، ۸۶-۱۳۸۵ .

ـ پایان نامه: روش‌های پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان خلاقیت در کودکان و نوجوانان

ـ خدا رحیمی، سیامک (۱۳۷۴) مفهوم سلامت روانشناختی، مشهد، انتشارات جاودان فرد، چاپ اول.

ـ روانپزشکی. تالیف. فرنک فیش (ترجمه) دکتر نصرالله پور افکاری. چاپ اول. نشر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

ـ روشهای عملی تحقیق در علوم انسانی میر محمد سید عباس زاده. ارومیه. دانشگاه ارومیه

ـ زنجانی، میرحسینی، امیدی، نیازی و عطوف؛ رابطه هوش هیجانی و خودکار آمدی با سلامت روان دانشجویان؛ مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، تهران، ۱۳۸۹.

ـ سایکوسیبرنیتک روانشناسی خلاقیت. ماکسول مالتز. ترجمه مهدی قراجه داغی. انتشارات شباهنگ

ـ شکوهی یکتا. محسن و پرند. اکرم (۱۳۸۶) روانشناسی و آموزش تیز هوشان نشز طبیب

ـ شهریاری حسنیه؛ رابطه هوش هیجانی و سلامت عمومی در دانشجویان، مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، تهران، ۱۳۸۹.

ـ علیرضا پیر خائفی: پرورش خلاقیت مبانی و رشدها. انتشارات هزاره ققنوس

ـ غلامعلی افروز: چکیده ای از روان شناسی تربیتی کاربردی

ـ غلامعلی افروز: مباحثی در روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان. تهران انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران

ـ غلامعلی افروز: نقش اعتماد به نفس در خلاقیت نوجوانان و جوانان

ـ غلامعلی افروز:نقش اعتماد به نفس در خلاقیت نوجوانان و جوانان

ـ فولاد چنگ، محبوبه و موسوی، سید حنظله (۱۳۸۷). بررسی رابطه تاب آوری و افسردگی در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز. مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روان دانشجویان. ص ۳۲۶-۳۲۴.

ـ هوش هیجانی در زندگی روزمره، کندکاوی علمی؛ کیارچی، میر و نورگاس، ترجمه‌ی نجفی زند، ۱۳۸۵.

ـ هوش هیجانی و معنویت، شریفی درآمدی؛ ۱۳۸۶.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]

ـ هوش هیجانی، خودآگاهی هیجانی، خویشتن داری، همدلی و یاری به دیگران؛ گلمن، ترجمه پارسا، ۱۳۸۷.

ـ هوش هیجانی؛ ترجمه مهدی گنجی؛ نشر ساوالان، ۱۳۸۴.

ـ یوسفی فریده؛ بررسی رابطه هوش عاطفی اندازه گیری شده و هوش عاطفی برآورد شده توسط خود در گروهی از دانشجویان؛ مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، تهران، ۱۳۸۷.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-09-20]